

انعکاس

نشریه فرهنگی و اجتماعی دانشجویی



امان از همسایه بد!

سرمقاله

سفر شی جین پینگ به عربستان

در مورد روابط چین با کشورهای آسیای غربی، به ویژه ایران و عربستان از زمان سفر رئیس جمهور این کشور به ریاض، شاهد تحلیل‌های متعدد و متفاوتی بودیم. نظر ما این بود که نگاه چین به منطقه اقتصادی است و چین ظرفیت ابرقدرت شدن را ندارد و صرفاً می‌خواهد شکم صدها میلیون انسان را پر کند و همین الان ۶ برابر کشورهای آسیای غربی جمعیت دارد. اما دیدگاه‌ها در ایران به شکلی عجیب نادرست بود که بیشتر ناشی از حب و بغض سیاسی بوده است. از قرار معلوم رسانه‌های غربی هم در دام تبلیغات رسانه‌ای بن سلمان افتادند و آنگونه که یک نویسنده غربی می‌گوید، به شکل شتابزده‌ای گفتند که چین جای امریکا در عربستان را گرفت. این نویسنده چند دلیل مختلف می‌آورد که نشان دهد چین نه می‌خواهد پا جای پای امریکا بگذارد، نه دوست دارد با امریکا در این منطقه رقابت کند و نه دنبال ابرقدرتی است؛ بلکه صرفاً دنبال «منافع» خودش است و می‌خواهد با همه در این منطقه دوست باشد. دلیلش را هم پیش از این گفتیم که چین بر خلاف امریکا نگاه ایدئولوژیک به توسعه در جهان ندارد، بلکه نگاهش صرفاً اقتصادی است. به همین دلیل برای دوست شدن همزمان با همه کسانی که دشمن به شمار می‌روند، هیچ مشکلی ندارد چرا که مشکلات این کشورها با هم ربطی به چین ندارد و این نقطه موفقیت چین است. در ادامه سه دلیلی که این نویسنده این مطلب در مورد اصول حاکم بر سیاست خارجی چین جهت توسعه روابط با کشورهای آسیای غربی را به صورت خلاصه بررسی می‌کنیم؛ و این رو بدانید که برای چین گسترش روابط با عربستان هیچ منافاتی با امضای قرارداد راهبردی ۲۵ ساله با ایران ندارد. اولین چیزی که باید بدانیم این است که دلیل اصلی حضور چین در آسیای غربی، وابستگی به انرژی است. چین در سال ۲۰۲۱ حدود ۷۲ درصد از نفت خام مصرفی خود را از طریق واردات تامین کرد و ۵۰ درصد از این واردات از آسیای غربی انجام شد. چین به تنهایی مقصد بیش از ۲۵ درصد از صادرات نفت خام عربستان سعودی است. پس تا زمانی که چین به منابع خارجی نفتی وابستگی داشته و عربستان هم به دنبال کسب درآمد باشد، طبیعی است که این دو کشور همکاری‌های اقتصادی خود را افزایش دهند، تجارتی دوجانبه که در حال حاضر ارزش آن به ۸۷.۳ میلیارد دلار می‌رسد. این در مورد سرمایه‌گذاری گسترده چین در آسیای غربی از طریق طرح کمربند و جاده هم صادق است. سرمایه‌گذاری‌های چین در این طرح عمدتاً



بر ساخت بنادر و پارک‌های اقتصادی در کشورهای عربی از جمله مصر، عمان، عربستان و امارات متمرکز است. با اندک تسلطی بر دانش جغرافیا، می‌توان دید که سرمایه‌گذاری‌های چین حول محور دسترسی امن و پایدار به انرژی حیاتی و پایگاه‌های تجاری می‌چرخد: خلیج فارس، خلیج عمان، دریای سرخ، تنگه باب‌المندب، تنگه هرمز، کانال سوئز و غیره.

دومین نکته مهم این است که چین به دنبال چیزی است که کمتر بازیگری در منطقه به آن دست یافته است: رویکرد دوستی با همه. در نتیجه، چین روابطش با عربستان را در حالی افزایش می‌دهد که در سال ۲۰۲۱ یک قرارداد همکاری ۲۵ ساله با ایران امضا کرده است. این قرارداد در مقابل تحریم‌های آمریکا به ایران کمک کرده و در ازای نفت تخفیف داده شده، ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری چین در ایران را تضمین می‌کند. شاید هدف از چنین توافقی در ابتدا اراده چین برای مقابله با سیاست‌های آمریکا به نظر برسد، اما چین منافع خودش را در نظر می‌گیرد. پکن از اینکه ایران بتواند به طور پایدار نفتش را تضمین کند، منفعت شخصی می‌برد و یک ایران ضعیف نمی‌تواند ثبات تامین نفت چین را تضمین کند. پس انگیزه چین از اجتناب از ضعیف شدن ایران نه صرفاً یک بازی قدرت، بلکه به شدت اقتصادی است. علاوه بر این، پکن می‌داند که این مناقشات منطقه‌ای ربطی به منافع چین ندارند. یکی از جنبه‌های کلیدی رویکرد چین نسبت به تامین انرژی، تکثر و تنوع منابع است. جهت‌گیری در مناقشات آسیای غربی تنها به معنای محدود شدن شرکای تجاری چین و کاهش فرصت‌های پکن برای کسب منافع اقتصادی مشترک است. در نتیجه، احتمال نمی‌رود که سفر شی جین‌پینگ به عربستان نشان‌دهنده همسو شدن این دو کشور باشد، چرا که پکن ترجیح می‌دهد بین روابطش با رقبای منطقه‌ای تعادل برقرار کند.

مسئله سوم که باید به آن توجه داشت، این است که روابط آمریکا با عربستان سعودی در سال‌های اخیر نشان‌دهنده رابطه‌ای مشتری-محور بوده است. اما به نظر می‌رسد که همیشه همکاری با آمریکا باعث می‌شود که امور داخلی طرف دوم، زیر ذره‌بین قرار گرفته و - به عنوان مثال - ارزش‌های غیر لیبرال یا رهبران خودکامه آن مورد انتقاد واقع شوند. چین و عربستان هر دو از جنجال‌های بین‌المللی رنج برده و از اختلاطی که میان مسائل اخلاقی و روابط اقتصادی یا دیپلماتیک در ارتباط با غرب ایجاد می‌شود، گریزان هستند. در نتیجه، در سفر اخیر شی، مقامات دو کشور متعهد شدند که متقابلاً

از دخالت در امور داخلی یکدیگر اجتناب کنند تا همکاری‌های اقتصادی آن‌ها ماهیت مستقل داشته باشد. عربستان از انتقادات ناشی از جنگ یمن یا قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار سعودی اجتناب می‌کند و چین هم در مواجهه با انتقادات ناشی از نقض ادعایی حقوق اوغورها در منطقه سین‌کیانگ، به حمایت اعراب نیاز دارد. پکن و ریاض در مقابل انتقادات سخت غرب، به شرکایی نیاز دارند که به دور از هر انتظار جانبی و اضافه‌ای، بر قراردادهای تجاری تمرکز داشته باشند. واقعیت این است که مهم نیست دیدگاه چین درباره آسیای غربی چه باشد، منافع احتمالی که چین می‌تواند از راه سرمایه‌گذاری در آسیای غربی به دست آورد، آنقدر زیاد نیست که آمریکا را تهدید کند و به نظر می‌رسد که نگرانی واشینگتن از این مسئله، غیرضروری است. ظاهراً چین می‌داند که معایب و دشواری‌های نشستن در جایگاه آمریکا بیشتر از منافعش است و به هیچ وجه قصد ندارد در دامی بیفتد که آمریکا و (پیش از آن، روسیه) در آن افتادند، آن هم با گسترش روابطشان به وراي منافع اقتصادی مشترک و تلاش برای تحمیل اراده سیاسی و نظامی خود در این منطقه. آمریکا بالاخره آسیای غربی را با هزینه‌های زیاد و دستاوردهای ناچیز ترک خواهد کرد؛ اما باید بدانیم که چین تمایلی به تکرار این سرنوشت ندارد.»

بنابراین به آن‌هایی که قرار است تحلیل کنند، بنویسند و به دیگران درس بدهند باید یادآور شد که شاید چینی‌ها در حوزه مساله جزایر سه‌گانه خط‌بندی کردند و در این مورد ایران برخورد مناسبی هم کرد و چینی‌ها نیز توضیح کافی دادند اما حقیقت امر آن است که در راهبرد کلان چین، ایران ضعیف، به هم ریخته و آشفته نمی‌تواند چندان محل اتکا باشد. آن چیزی که باعث چینی‌ها در امضای قرارداد ۲۵ ساله با ایران مصمم شوند (رئیس‌جمهور چین با وجود مخالفت جریان‌های غربگرا در حزب حاکم و دولت این کشور دستور امضای آن را صادر کرد) نحوه برخورد و تعامل ایران با آمریکا در طول چند سال گذشته بود. این نکته را هم اینجا می‌نویسم و با اطلاع می‌نویسم و شما در آینده متوجه آن خواهید شد؛ چینی‌ها امیدوار هستند که با گسترش روابط با عربستان این کشور را به خود وابسته کنند و به نوعی نفوذ اقتصادی در عربستان به دست بیاورند. خرید یک چهارم نفت صادراتی عربستان توسط چینی‌ها در همین حوزه تعریف می‌شود. با این حال چینی‌ها یک احتمال ضعیف می‌دهند که در حوزه راهبردی قوی است و آن نیز خودداری عربستان از صادرات نفت در روزی است که امریکایی‌ها بعد از

روسیه سراغ چین بیایند و به سعودی‌ها فشار بیاورند که حق صادرات نفت به چین را ندرید، آن هم چه کسی باید به داد چینی‌ها برسد؟ چه کشوری توانایی جبران دارد؟ درسی که برخورد غرب با روسیه به چین داد این بود که نمی‌تواند روی متحدان آمریکا به هیچ شکلی حساب باز کند، اما باید تلاشش را کرده و در این زمینه هر چه از دستش بر بیاید انجام دهد. در اتاق‌های فکر چینی‌ها عربستان در نهایت بخشی از پازل غرب به ویژه آمریکا به شمار می‌رود که باید با آن قمار کرد و هزینه‌اش را هم پرداخت. این هزینه همان ناکامی‌هایی بود که رئیس‌جمهور چین در سفرش به ریاض با آن مواجه شد؛ سعودی‌ها نه پول نفت را به یوان گرفتند، نه منطقه صنعتی در اختیار چینی‌ها گذاشتند، نه از چینی‌ها سلاح خریدند و در نهایت حاضر نشدند با چین قرارداد تجارت آزاد امضا کنند!

به باور چینی‌ها سفر رئیس‌جمهورشان به ریاض یک شکست بود، هر چند در رسانه‌ها اعلام نمی‌کنند و در رسانه‌های ما به گونه دیگری در این زمینه تحلیل می‌شود. به همین دلیل چینی‌ها تا جایی که امکان داشته باشد بازی اقتصادی خود را پی می‌گیرند. آن‌ها می‌دانند در طول سال‌های آینده با محدودیت‌ها و تحریم‌های اروپا و آمریکا مواجه خواهند شد و اتفاقات بسیاری برای اقتصادشان روی خواهد داد، به همین دلیل از هم‌اکنون باید به فکر باشند. به صورت خلاصه باید بگویم که رئیس‌جمهور چین در سفر به ریاض سه هدف بسیار مهم را پیگیری می‌کرد که در هر سه هدف تقریباً می‌توان گفت شکست خورد؛ نخست دنبال آن بود تا دستکم ۵۰ درصد از پول نفتی که از عربستان می‌خرد را با یوان بپردازد، مهمترین و اصلی‌ترین سفر شی به ریاض که سعودی‌ها در این زمینه موافقت نکردند و صرفاً به پرداخت نهایت ۵ درصد راضی شدند؛ نکته دوم قرار بود آن‌ها در یکی از مناطق ساحلی و اقتصادی عربستان در صنایع نفت سرمایه‌گذاری کنند که سعودی‌ها با پیشنهاد استان اشغالی جیزان در نزدیکی مرز یمن عملاً آن‌ها را وارد میدان مین کردند و در نهایت چینی‌ها انتظار داشتند در این سفر به ازای سه و نیم میلیون بشکه نفتی که در روز از ریاض می‌خرند یک قرارداد ۱۰ میلیارد دلاری فروش تجهیزات نظامی با عربستان امضا کنند که ناکام ماندند. برخلاف تبلیغات صورت گرفته چینی‌ها از نتایج سفر دلخور بودند و سعودی‌ها تلاش کردند با استقبال رنگی از شی آن را پوشش دهند!

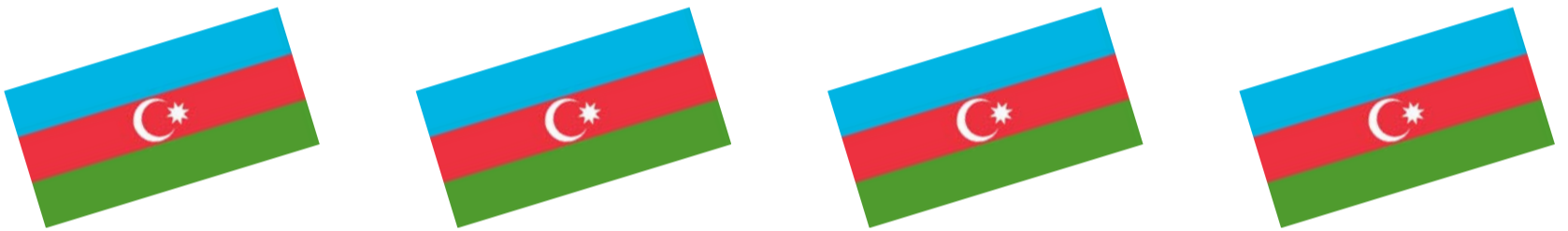
نویسنده : معین قنادزاده

امان از همسایه بد!

یکی از بدترین مشکلاتی که انسان‌ها می‌توانند دچارش بشوند وجود یک همسایه بد همچون کوره آهن است اگر گرمایش تو را نسوزاند دودش تو را اذیت خواهد کرد! ایران ما هم همسایه بدی

دارد. البته مشکل رئیس همسایه کوچک و شمالی ماست وگرنه اهالی آن که هموطن ما هستند. با وجود کمک‌های زیادی تهران به باکو، و نجات آن‌ها در جنگ اول قره‌باغ و دفاع از خاکی که یک زمانی اسلامی بود و امید هست که باز هم باشد! ولی خاندان علی‌اف نمکدان خورده و نمکدان شکسته و از هیچ دشمنی علیه ایران کوتاهی نکردن و با تل‌آویو و آنکارا دوستی کردند. هرچند از همیشه از بزرگ‌تر خود می‌ترسیدند اما بعد از اتفاقات تلخ اخیر ایران شاهد موضعی از سوی الهام علی‌اف بودیم، که با توهم زخمی بودن گربه با دم شیر بازی کرد! از پرواز پهپاد اسرائیلی در خاک خود تا تربیت و فرستادن

تروریست به کشور مادر خود. البته طبیعی است وقتی اتحاد در خانواده بهم بخورد و دوستی و محبت بین اعضا جایش را به دشمنی و نفرت بدهد و به جای حمایت از هم یک‌دیگر را لعن کنند معلوم هست که دیگر آن خانواده اقتداری ندارد. ولی ایرانی‌ها گوشت هم را بخورند استخوان هم را دور نمی‌اندازند. با وجود چندماه سخت و پر از اتفاق ناراحت‌کننده در کشور، مردم ایران زبان درازی همسایه بی‌ادب را بی‌جواب نگذاشتند. این مایه خوشحالی است و یادمان هست که دعوی خانوادگی باعث نشود همسایه بد ذات به طمع اهل خانه بیافتد.



آرشیو پروژ نشریات دانشجو

اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

استاد و آئین نامه ها • دستورالعمل نشریات دانشگاهی

لیست نشریات فعال

sanad.um.ac.ir • در سایت سند

نحوه ثبت آرشیو نشریه

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

نحوه دریافت حمایت مالی

نحوه درخواست مجوز نشریه

آرشیو کامل نشریات دانشجویی

اخبار و اعلان های خانه نشریات

سناد

شجویی دانشگاه فردوسی مشهد